

بیام به ستاره ای که از مدار خود خارج شده

فرار کرد ستاره  
ز کمان خودش

گر بخت بد ختر ~~خود~~ خود بر

ز خاندان خودش  
ویا پر نره سی آبی شهر طلائی بود

پرید و دور شد و دور  
از آسمان خودش

+ ستاره، آی ستاره  
کجا، کجا، کجا رفتی!  
به جی کراش کنهان

به باور رفتی!

به آن ~~خدا~~ رفتی  
ویا که زد به سرات  
در پی خدا رفتی؟

+ ستاره، هر چه که خواستی  
به روح نور بگو  
نیا، نیا به سداغ زمین  
ز دور بگو

که ما به گرد رفتیم  
گر کم گشت ~~و ستاره~~ ستاره ام  
به «انتقاری» و «شغال» گریه گرفتارام!

+ ستاره، از ~~سور~~ کاشنا ~~این~~ باش  
شبان تیره چرخ تحمل من باش  
به جشنواره سما ساد برابری بشر  
بیا، اگر چه که پنجاه هزار سال در گز...

ستاره، در دفتر کائنات روشن باش

اصلاً  
۲۰۰۵  
لندن ۲۵ فروردین

+